

فصلنامه مطالعات سیاسی

سال دوازدهم، شماره ۴۵، پاییز ۱۳۹۸

صفحات: ۲۴۰-۲۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۳/۱؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۶/۱

نوع مقاله: پژوهشی

بررسی نظری دکترین مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

غفار زارعی*

چکیده

سیاست خارجی، مجموعه تدابیر، روش‌ها و انتخاب مواضع یک دولت در برخورد با امور و مسائل خارجی و در چهارچوب اصول و اهداف کلی حاکم بر نظام سیاسی آن کشور است. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی سعی در بررسی پایه‌های نظری و تئوریک تأثیرگذار دکترین مقاومت بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دارد که مبتنی بر پایه تفکرات شیعی، قانون اساسی، اندیشه امام خمینی (ره) و آیت الله خامنه‌ای است. بر طبق اصول ۹، ۱۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵ قانون اساسی، اصولی چون نفی سلطه جویی، حفظ استقلال و... از جمله خطوط کلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است و در این راستا دکترین مقاومت مهم‌ترین و موثرترین راهبرد جمهوری اسلامی از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ایران علیه نظام سلطه به رهبری آمریکا بوده است.

کلیدواژه‌ها

سیاست خارجی؛ مقاومت؛ گفتمان؛ انقلاب اسلامی.

مقدمه

سیاست خارجی به عنوان حوزه‌ای از سیاست تعریف می‌شود که هدفش ارتباط بین مرزهای یک ملت- دولت و محیط بین الملل است. سیاست خارجی به تصمیم‌ها و کنش‌هایی اشاره دارد که دربردارنده روابط میان بازیگر مستقل (یک دولت) و دیگر بازیگران پهنه بین‌المللی است (Frankel, 1963: 1-3). سیاست خارجی شیوه‌ای را نشان می‌دهد که یک دولت تعدیل می‌یابد، به منافع متمایل به جهان خارج اولویت می‌بخشد و ارزش‌هایی که مهم تلقی می‌نماید را برجسته می‌سازد (MacDonald, 2007: 1). انقلاب اسلامی ایران، با کاربست رویکردی انتقادی، موج تازه‌ای از ایستارها را به پهنه روابط بین الملل و سیاست خارجی وارد نمود. مجموع اهداف سیاست خارجی ایران با بررسی قانون اساسی موارد زیر است. نخست، سعادت انسان در کل جامعه بشری؛ دوم، استقلال کشور؛ سوم، ظلم ستیزی و عدالت خواهی و طرد نظام سلطه در جهان و حمایت از مبارزه حق طلبانه مستضعفین؛ چهارم، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان، ائتلاف و اتحاد ملل مسلمان و وحدت جهان اسلام و نیز دفاع از حقوق مسلمانان جهان؛ پنجم، نفی هرگونه ستمگری و ستم کشی و نفی هرگونه سلطه‌گری و سلطه‌پذیری و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر؛ ششم، طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب و حفظ تمامیت ارضی و نفی و اجتناب از پیمان‌هایی که موجب سلطه بیگانگان بر منابع طبیعی کشور، فرهنگ و ارتش گردد؛ هفتم، روابط صلح آمیز متقابل با دول غیرمحارب و هشتم، صداقت و وفای به عهد در معاهده‌ها(اسدی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۰).

کشورهایی همانند ایران که در حوزه ژئوپلیتیک بحران قرار دارند یا باید در فضای ائتلاف با قدرت‌های بزرگ قرار بگیرند و یا اینکه در شرایط مقاومت واقع شوند و چنانکه می‌دانیم جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی خود گفتمان مقاومت را برگزیده است. سیاست خارجی مقاومت دارای ویژگی‌هایی است؛ اولین ویژگی این نوع سیاست نقد سیاست بین الملل است. ویژگی دوم معطوف به ارزیابی انتقادی از عملکرد قدرت‌های بزرگ در حوزه‌های مختلف جغرافیایی است. مؤلفه سوم ایجاد چالش در برابر فضای هژمونی و یک جانبه‌گرایی آمریکاست و چهارمین مؤلفه سازماندهی نیروهای پراکنده برای ایجاد یک جبهه متحدالمرکز جهت مقابله با نظام سلطه‌ای محسوب می‌شود. در این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی سعی در بررسی نظری دکترین مقاومت و تأثیر آن بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران خواهیم داشت.

۱. مفاهیم

در این بخش سعی در بررسی مفاهیمی چون؛ دکترین، گفتمان، گفتمان مقاومت و سیاست خارجی خواهیم داشت.

۱-۱. مفهوم دکترین

دکترین واژه‌ای فرانسوی به معنی مسلک، عقیده، رأی، نظریه و فکر است (عمید، ۱۳۷۱: ۱۱۳۴). دکترین در لغت به اشکال مختلفی از جمله دیدگاه، الگو، بیانیه، اصول، نظریه، خط مشی، چگونگی عمل، راهنما و روش و دهها عنوان دیگر تعریف شده است (عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۳۲). معادل آن در زبان فارسی واژه آیین با ریشه ی پهلوی است که دارای معانی دستور، روش، رسم، عادت، نظم، قاعده، سنت و کیش می باشد. دکترین در فارسی مترادف آموزه هم به کار رفته و اخیراً نیز واژه رهنامه را معادل آن برگزیده‌اند.

۱-۲. مفهوم گفتمان

گفتمان، اصطلاحی است که مواجه با کثرت معانی است؛ اما مشابه جریان اصلی به کاربرنده این اصطلاح، آن را «منظومه ای از معنایی که در آن نشانه‌ها (یا گزاره‌های محورین)» هویت و معنا می یابند و فهم از واقعیت و جهان پیرامون را شکل می دهند؛ تعریف می کنیم؛ به عبارت دیگر، گفتمان مجموعه ای از احکام، گزاره‌ها و نشانه‌هاست که سازنده یک نظام معنایی متمایز محسوب می گردند. این نشانه‌ها یا احکام، به نحوی منتظم (که منعکس کننده نظم گفتمانی هستند)، به یکدیگر «مفصل» می شوند. به بیان دیگر، درست مشابه تجربیات زیست جهان ما، هر عملی که میان عناصر پراکنده در درون یک گفتمان ارتباط برقرار کند، مفصل بندی است. معانی واژگان و نشانه‌های به کاررفته در یک مفصل بندی گفتمانی، متناسب با نظام معنایی کلان آن گفتمان با دیگر گفتمان‌ها مرزبندی پیدا می کند. عنصر اساسی در هر مفصل بندی گفتمانی «دال مرکزی» است. دال مرکزی عبارت است از نشانگان مرکزی یک گفتمان که همانند یک میدان مغناطیسی، دیگر مفاهیم و نشانه‌ها را تحت تأثیر خود قرار می دهد (روحانی، ۱۳۹۱ الف: ۹).

۱-۳. گفتمان مقاومت

گفتمان مقاومت، گفتمانی انتقادی است و بازیگران آن همگی منتقد و مخالف وضع موجودند. بر این اساس می توان نام‌های دیگری برای این گفتمان مانند «تغییر وضع موجود» یا «رهایی» نیز به کار برد.

گفتمان مقاومت، گفتمانی ریشه دار در انقلاب اسلامی و اندیشه‌های بنیانگذار آن است و بیشتر خود را در قالب صدور انقلاب و ارزش‌های جهانی انقلاب اسلامی نشان می‌دهد. بر این اساس مبارزه با استکبار جهانی، رژیم صهیونیستی، متجاوزان به سرزمین‌های اسلامی و نژاد پرستی، همچنین دفاع از مستضعفین در برابر مستکبرین و دفاع از ارزش‌های انسانی و جهانشمولی راه، اصول - و نه تاکتیک‌های - انقلاب اسلامی معرفی کرده است.

لذا می‌توان تحلیل نمود که گفتمان مقاومت بر سه پایه ی اصلی بنا نهاده شده است:

- پایه اول، مبارزه با بازیگران بیگانه (غیر اسلامی) سلطه گر و متجاوز علیه منافع جهان اسلام؛
- پایه دوم، مبارزه با هرگونه نظم، سیستم، الگوها و جریان‌های فکری دنباله دار بیگانگان در جهان اسلام؛

- پایه سوم، مبارزه علیه نظام سیاسی، استبدادی، غیر مردمی، سکولاریستی یا وابسته ی حاکم بر ملت - کشورهای اسلامی.

- مخالفت با تمامی طرح‌هایی که با عنوان صلح خاورمیانه ارائه شده اند و به موجودیت رژیم صهیونیستی مشروعیت می‌بخشند، مخالفت با مواردی چون: طرح خاورمیانه ی بزرگتر آمریکا، روابط نظامی و امنیتی میان آمریکای و کشورهای منطقه، حضور نظامی آمریکا در منطقه، اشغال عراق و افغانستان توسط آمریکا، روابط میان کشورهای اسلامی و رژیم صهیونیستی، راه حل‌های آمریکایی یا اسرائیلی برای امنیت منطقه ای خاورمیانه ای و طرح خطر فرهنگی آمریکا و صهیونیسم و مقابله با آن، از جمله مهم ترین محورها در مواضع جمهوری اسلامی در چهارچوب دال مرکزی گفتمان مقاومت است (عبداله خانی، ۱۳۸۹: ۹۱).

۴-۱. مفهوم سیاست خارجی

سیاست خارجی بازتاب اهداف و سیاست‌های دولت در صحنه روابط بین الملل و درارتباط با سایر دولت‌ها، جوامع و سازمان‌های بین المللی، نهضت‌ها، افراد بیگانه و حوادث و اتفاقات جهانی است (محمدی، ۱۳۸۴: ۱۵). مفهوم سیاست خارجی در هر کشور، مربوط می‌شود به تدوین، اجرا و ارزیابی تصمیم‌گیری‌هایی که از دیدگاه خاص همان کشور جنبه برون مرزی دارد (کاظمی، ۱۳۷۲: ۴۲). بر مبنای تعریف سیاست، سیاست خارجی یعنی فن و هنر (یا علم) شناخت امکانات و بهره برداری درست از آنها برای رسیدن به اهداف کشور در ارتباط با محیط خارجی (حمیدی نیا، ۱۳۸۳: ۵۳۳). در مجموع، سیاست خارجی می‌تواند عملکرد و اتخاذ

روش‌هایی باشد که در صحنه روابط بین الملل با حداکثر استفاده از مؤلفه‌های قدرت ملی بتواند یک دیپلماسی مناسب را برقرار و حداکثر منافع ملی را به همراه داشته باشد. برخی از نظریه‌های رایج سیاست خارجی عبارتند از آرمان‌گرایی، صلح‌دموکراتیک، لیبرالیسم اقتصادی، واقع‌گرایی و نوواقع‌گرایی، ژئوپلیتیک، نهادگرایی نولیبرال، نظریه گفتمانی و سازه‌انگاری (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۵۶).

باید گفت در تجزیه و تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، لازم است منابع هویتی نظام جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گیرد، زیرا هویت اسلامی نظام است که منافع و اهداف سیاست خارجی را تعیین می‌نماید. انقلاب اسلامی هویت جدیدی به ایرانیان در چارچوب مرزهای ایران بخشیده، هویتی که مبتنی بر اسلام است. در واقع، گفتمان انقلاب اسلامی باعث تحول هویت ملی و آرایه هویت جدید بر پایه ارزش‌ها و باورهای اسلامی برای ایرانیان شده است.

۲. خاستگاه هویتی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران به همان اندازه که دستی در واقعیت‌های موجود روابط بین الملل دارد، خود را متعهد به ارزش‌هایی می‌داند که منشأ آن دستورهای الهی است (روحانی، ۱۳۹۱: ۶). تطور ابعاد درونی هنجارها در آستانه انقلاب اسلامی به ظهور هویت جدیدی در ایران منتهی شد که عنوان «اسلامی» معرف آن است. با شکل‌گیری و ظهور هویت جدید در قالب جمهوری اسلامی ایران، چگونگی نگرش درباره قدرت و تحولات سیاسی در روابط بین الملل به شدت دچار تغییر و تحول شد و انگاره‌های مادی برای تحلیل سیاست خارجی در تنگنا قرار گرفتند (سیدنژاد، ۱۳۸۹: ۴۸). در واقع اگر هافمن در تصویر و چشم انداز نظریه‌های جریان اصلی بین «حقیقت» و «قدرت»، دشمنی اجتناب‌ناپذیری مشاهده می‌کرد (هافمن، ۱۳۸۵: ۱۳۶)، در سیمای جدید سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، «دیانت» با «سیاست» و «قدرت» پیوند فاختری پیدا کرد که سازه‌انگاری می‌تواند اهمیت و نقش مستقل انگاره‌های دینی و هویتی را نشان دهد. همان‌طور که در سند چشم‌انداز به صراحت به ماهیت اسلامی و انقلابی جمهوری اسلامی اشاره شده، ایران از حاشیه به متن رساندن ارزش‌های اسلامی را سرلوحه سیاست خارجی خود قرار داده و نیل به این هدف در سایه ارائه چهره‌ای موجه از اسلام است تا این دین را در مرکز فضای ذهنی دنیای معاصر بنشانند. نگرش سازه

انگاران ماهیت ادراکی - هنجاری دارد. آن‌ها بر این اعتقادند که جهت‌گیری سیاست خارجی هر کشور براساس هدف‌ها، نیازها، ایستارها و قابلیت‌های ساختاری آن شکل می‌گیرد. کشورهای انقلابی مانند ایران در پیگیری هدف‌های بین‌المللی خود بر مؤلفه‌های هنجاری - ایستاری توجه و تأکید دارند (Ajami, 1988: 23). انقلاب اسلامی ایران بیش از آنکه انقلابی سیاسی یا اقتصادی باشد، تحرکی فرهنگی بود. عطش شدید مردم به استقرار نظام اسلامی و همچنین الگوپذیری بسیاری از مسلمانان و آزادی خواهان جهان از نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران، غلبه عنصر فرهنگ را در این راستا نمایان می‌سازد (گلشن پژوه، ۱۳۹۰: ۱۴۸). جامعه اسلامی برپایه ارزش‌ها و اصول عدالت، مصالح مشترک ملت‌ها، تأمین سعادت انسان‌ها، همزیستی مسالمت‌آمیز، مداخله نکردن در امور داخلی دیگران، احترام متقابل و صلح و امنیت بین‌المللی استوار است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به طور صریح یا تلویحی و ضمنی به این اصول و هنجارها اشاره شده است. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با هدف تغییر وضع موجود، سازماندهی شده است که نشان می‌دهد معادله قدرت در سیاست بین‌الملل را غیرعادلانه می‌داند. آنچه زیربنای سیاست انقلابی ایران در منطقه و نظام بین‌الملل محسوب می‌شود، ناشی از تفسیر مبتنی بر «سلطه» از نظام بین‌الملل است. در چنین شرایطی الگوی رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی از یک سو در سطح ملت - دولت شکل می‌گیرد که به تعهدات خود وفادار خواهد ماند و از سوی دیگر ضمن حمایت از جنبش‌های انقلابی و گروه‌های تحت ستم، تلاش می‌کند موج‌های جدیدی به وجود آورد که بر قاعده بازی تأثیرگذار باشد. برای ایران تقسیم ملت‌ها در چارچوب واحدهای سیاسی مجزای دولت - ملت مقبولیت دارد، اما تعهدات و مسؤولیت‌های دولت - ملت‌های اسلامی فراتر از منافع ملی است و مصالح اسلامی و بشری را نیز در بر می‌گیرد (Philiott, 2002: 86).

شاخص‌های هویتی و ایدئولوژیک انقلاب اسلامی ایران در فضای اجتماعی خاورمیانه دارای کارکرد و جاذبه سیاسی خواهد بود؛ از این رو تحرک مؤثر سیاست خارجی ایران در این منطقه اجتناب‌ناپذیر است. پیوند مؤلفه‌های هویتی، ژئوپلیتیکی و سیاسی در فضای انقلابی را باید اصلی‌ترین عامل شکل‌گیری زیرساخت‌های مقاومت در سیاست خارجی ایران دانست. انقلاب اسلامی به تقویت حس استقلال ایران کمک و ترکیبی از ایدئولوژی مذهبی و ملی‌گرایی قوی ایجاد کرد. جمهوری اسلامی امروز این توانایی را دارد که فراتر از محدوده‌ی انقلاب، به عنوان ملتی که به دنبال منافع غیرایدئولوژیک خویش است، فعالیت کند. با وجود این، نگرش‌ها و

رفتارهایش همچنان متأثر از تجربه تاریخی و هویتش به عنوان کشوری انقلابی و خواهان تغییر وضع موجود است.

بدون توجه به شاخص‌های مقاومت نمی‌توان زمینه شکل‌گیری و انتقال قدرت هویت را به وجود آورد. هویت‌ها همواره نیازمند «دال مرکزی» هستند. دال مرکزی در سیاست‌های خارجی و امنیتی ایران مقاومت در برابر وضع موجود روابط میان کشورهاست. هرگاه روابط دولت‌ها در سلسله مراتب نامتوازی از قدرت قرار گیرد، دولت اسلامی با مختصات جمهوری اسلامی، آگاهی دهی هویتی در مقیاس جهانی را وظیفه خود می‌داند (آجیلی و افشاریان، ۱۳۹۳: ۳۶).

۳. عناصر و مؤلفه‌های گفتمان مقاومت

برای بررسی عناصر و مؤلفه‌های گفتمان مقاومت می‌توان به مصاحبه‌ی دهقانی فیروزآبادی مراجعه کرد بر طبق سخنان ایشان: «اگر بخواهیم بر اساس بحث‌های گفتمانی طرح موضوع کنیم، عناصر و مؤلفه‌های گفتمان مقاومت را می‌توان در دو دسته طبقه‌بندی کرد؛ یک بخش نفی یا سلبی است و بخش دیگر اثباتی و ایجابی. در مرکز بُعد سلبی گفتمان مقاومت، سلطه‌ستیزی قرار دارد. یعنی مهم‌ترین عنصر سلبی گفتمان مقاومت، نفی سلطه و سلطه‌ستیزی است و دوم، نفی استکبار و استبدادستیزی است. انقلاب اسلامی یک بُعد مهمش نفی استبداد بود. ما می‌گوییم انقلاب برای مستضعفین است، ولی خوب می‌دانید بر اساس آموزه‌های اسلام باید با استضعاف هم مبارزه کنیم و آن را از بین ببریم. نه این که با مستضعفین ستیزه کنیم. برای این که اگر آن وضعیت استضعاف به نوعی از بین برود، نفی تبعیض و خشونت ساختاری در نظام بین‌الملل، نفی توسعه‌طلبی و زیاده‌خواهی و تجاوزطلبی در روابط بین‌الملل نیز باز به بُعد سلبی گفتمان مقاومت برمی‌گردد. اما مهم‌ترین وجوه اثباتی و ایجابی گفتمان مقاومت که در مرکز این گفتمان قرار دارد، عبارت است از عدالت‌خواهی و حق‌طلبی، اسلام‌خواهی، صلح‌طلبی، عزت‌طلبی و اقتدار، استقلال‌طلبی، آزادی‌خواهی، معنویت‌گرایی، حکمت و عقلانیت‌گرایی، مصلحت‌گرایی و آرمان‌گرایی و واقع‌بینی. به هر جهت، مؤلفه‌های مذکور گفتمان مقاومت را به عنوان یک نوع گفتمان آرمان‌گرایی و واقع‌بینانه مطرح می‌کند، زیرا آرمان‌هایی در این گفتمان هست و همزمان به واقعیت‌هایی هم توجه می‌شود. اگر این‌ها را عناصر گفتمان مقاومت بدانیم، در مقابلش گفتمان سلطه نیز هست. پس این که در برابر چه چیزی مقاومت می‌کنیم، آن گفتمان سلطه است. حالا کانون گفتمان سلطه چیست؟

همان‌طور که خودش می‌رساند، در کانونش سلطه‌گری و نظام سلطه است. اگر بخواهیم اصطلاح قرآنی استکبار را به کار بگیریم، زیاده‌خواهی، توسعه‌طلبی، نابرابری و بی‌عدالتی، تبعیض و خشونت ساختاری و استانداردهای دوگانه‌ی ظلم و زور را در درون خود دارد. پس گفتمان مقاومت به عنوان پادگفتمان، سلطه را در برابر خودش دارد و در کانونش سلطه است. همچنین متعلقات نظام سلطه؛ اعم از لیبرالیسم و کمونیسم نیز در درون آن وجود دارد. عنصر اساسی و شعار اصلی انقلاب اسلامی ایران و گفتمان مقاومت «نه شرقی و نه غربی» است. معنی ظاهری «نه شرقی نه غربی» نفی سلطه‌ی شرق و غرب و رابطه با آنان است، ولی بیشتر به معنی نفی گفتمان این دو است؛ یعنی نفی گفتمان لیبرالیسم و نفی گفتمان کمونیسم. به‌خصوص در آن زمان چون نظام حاکم دوقطبی بود، پس هر دو را می‌خواستند نفی کنند و هر دو فشار می‌آوردند. بنابراین آن زمان مقاومت، هم در مقابل قطب کمونیسم و هم لیبرالیسم مطرح بود. حالا اما نظام تک‌قطبی شده و یک قدرت مانده و در لیبرالیسم تجلی پیدا کرده است، یعنی نظام سلطه که الان سردمدارش آمریکا است و گفتمانش هم لیبرالیسم است.

به هر روی، اگر بخواهیم هندسی بحث کنیم، این مقاومت و معارضة به صورت یک مثلث بود؛ گفتمان مقاومت یا انقلاب اسلامی ایران، کمونیسم و لیبرالیسم. الان اما یک ضلع این مثلث از بین رفته است و معارضة به صورت خط درآمده است. یعنی ما الان مستقیم در برابر گفتمان لیبرالیسم ایستاده‌ایم که رأسش آمریکا است» (دهقان فیروز آبادی، ۱۳۹۱، قابل دسترس در پایگاه اینترنتی farsi.khamenei.ir).

ایشان در مورد گفتمان مقاومت در روابط بین‌الملل اشاره می‌کنند: «امروز ما در روابط بین‌الملل گفتمان‌ها و نظریه‌هایی داریم که شباهت‌هایی با گفتمان مقاومت یا بعضی از عناصرش پیدا می‌کند که به آن‌ها اشاره می‌کنم: نخست استعمارزدایی است، یعنی مقاومت در مقابل استعمار به عنوان یک پدیده‌ی بین‌المللی که از اروپا شروع می‌شود و جهان اسلام هم درگیر آن بوده است. دوم جهان سوم‌گرایی است. شعار «نه شرقی نه غربی» که از ابتدای انقلاب اسلامی در ایران مطرح شد و شعار محوری جنبش عدم تعهد - عدم تعهد به دو قطب ابرقدرت - هم بوده است، منتهی ما می‌دانیم که گفتمان مقاومت فراتر از این است. بعضی از عناصر و اندیشه‌هایی که در گفتمان مقاومت بوده، در جهان سوم‌گرایی است؛ مثل استقلال‌خواهی، آزادی‌طلبی، برابری‌طلبی و ...

سومین گفتمان، گفتمان پسااستعمارگرایی است که اظهار می‌کند آیا در روابط بین‌الملل رهایی از استعمار کفایت می‌کند یا نه؟ آیا این استعمار به نوعی استمرار پیدا می‌کند و چگونه باید در مقابل آن مقاومت و مقابله کرد؟ این سه، یعنی استعمارزدایی، جهان‌سوم‌گرایی و پسااستعمارگرایی به نوعی سه موج در روابط بین‌الملل هستند. موج اول تلاشی برای کسب استقلال سیاسی و حقوقی بوده است که این می‌شود همان استعمارزدایی؛ یعنی مبارزات آزادی‌خواهی و آزادی‌بخشی. بعدها که این استعمار تمام می‌شود و به دوران استعمار نو می‌رسیم، می‌گویند کشورها استقلال سیاسی و حقوقی به دست می‌آورند، ولی استعمار از در دیگری وارد می‌شود که بیشتر استعمار اقتصادی است. یعنی موج دوم، مبارزه و مقاومت برای کسب برابری اقتصادی است که در جهان‌سوم‌گرایی و جنبش عدم تعهد وجود دارد. یعنی کشورهایی در جهان سوم پیدا شدند که دنبال یک نوع نظم اقتصادی متمایزی بودند که اگر با آن اولی جمع کنید، می‌شود تلاش برای یک نظم سیاسی-اقتصادی فرا استعماری. موج سوم مبارزه برای کسب استقلال فرهنگی است که حتی در ادبیات روابط بین‌الملل هم رایج است. مشخصاً هدلی بول به عنوان یک نظریه‌پرداز غربی می‌گوید: سه موج شورش علیه غرب در نظام بین‌الملل بوده که موج سومش مبارزه و مقاومت برای کسب استقلال فرهنگی است. یعنی مقابله با استعمار فرانونین. در انقلاب اسلامی هر سه این‌ها هست، اما تکیه بر موج سوم وجهه‌ی متمایز انقلاب اسلامی است که ما می‌خواهیم گفتمان فرهنگی جدید و یک نوع شیوه‌ی زندگی جدیدی را به بشریت ارائه دهیم.

چهارم اصطلاح «تجدید نظر طلبی» است. این اصطلاح را به کشورها و بازیگرانی اطلاق می‌کنند که نظم حاکم سلطه را نمی‌پذیرند. البته از نگاه گفتمان غالب، تجدید نظر طلبی بار منفی دارد، ولی یکی از شاخص‌های گفتمان مقاومت همانا تغییر نظم موجود است. یعنی ما نظم موجود را ناعادلانه می‌دانیم و می‌خواهیم آن را تغییر دهیم. پنجمین نظریه که به نوعی به بحث‌های مقاومت نزدیک می‌شود، نظریه‌ی وابستگی است. البته این نظریه هویت چپ دارد. یعنی در جهان سوم نظریه‌های وابستگی در مقابل سرمایه‌داری و لیبرالیسم اقتصادی و کاپیتالیسم هستند. ششمین نظریه نشأت گرفته از مکاتب انتقادی است که خاستگاه تئوریک دیگری دارد، اما با گفتمان مقاومت قرابت پیدا می‌کند و هر دو به نظم موجود نقد دارند. البته این دیدگاه هم خاستگاه چپ دارد.

لذا این‌گونه نیست که گفتمان مقاومت با آن تعریفی که ما کردیم -یعنی مقاومت در برابر سلطه- هیچ مابه‌ازای تئوریکی در روابط بین‌الملل نداشته باشد، اما گفتمان مقاومت نیست، زیرا مهم‌ترین تفاوت گفتمان‌های مطروحه با گفتمان مقاومت این است که همه‌ی آنها ذیل انسان‌گرایی تعریف می‌شوند. بنابراین ما از لحاظ تئوریک هیچ نسبتی با آنها نداریم، زیرا نظریات پست‌مدرنیسم، انتقادی و غیره همگی سکولار هستند و نقشی برای خدا در روابط بین‌الملل قائل نیستند. در صورتی است که مهم‌ترین ویژگی هستی‌شناسی ما عبارت از خدامحوری است و کانون هستی‌شناسی ما خدا است» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱، قابل دسترس در farsi.khamenei.ir).



شکل ۱: عناصر اصلی گفتمان مقاومت

۴. برسازي اندیشه و کنش مقاومت در فرآیند مقابله با تهدیدها

مقابله با تهدیدها در فضای نامتقارن نیازمند انسجام ایدئولوژیک-هویتی است. از این رو، اندیشه سیاسی زیر بنای قدرت مقاومت به شمار می‌رود. مقاومت در عصر فرامدرن انعکاس قدرت ملی است. بنابراین، امنیت سازی زمانی ایجاد می‌شود که اندیشه و کنش مقاومت در فرآیند مقابله با تهدیدها شکل گیرد. تحقق این امر از طریق باز تولید هویت، فرهنگ مقاومت، اندیشه مقاومت، احیای گرای اسلامی و عدالت‌گرایی ایدئولوژیک حاصل می‌شود. هر یک از مصادیق یاد شده می‌تواند زیرساخت‌های اندیشه و کنش مقاومت برای امنیت سازی در ایران را تحقق بخشد. انقلاب اسلامی ایران، «اندیشه مقاومت» را در فرهنگ سیاسی ایران برسازي کرد. این امر نشان می‌دهد همواره جلوه‌هایی از اندیشه و «فرهنگ مقاومت» در ساختار فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ایران وجود داشته است. زمانی که بین ساختار سیاسی و فرهنگ اجتماعی تمایز وجود داشته باشد، امکان ظهور و عملیاتی شدن نشانه‌های هویتی و فرهنگی امکان پذیر نیست. از این رو، هرگونه مشروعیت سازی ساختاری به عنوان زیر بنای کنش مقاومت، نیازمند همبستگی گروه‌های اجتماعی و نظام سیاسی است (Onuf, 1989: 16).

به عبارت دیگر، باید بین نشانه‌های سازنده «قواعد تکوینی»، با شاخص‌های ساختاری تشکیل دهنده «قواعد تنظیمی»، جلوه‌هایی از هماهنگی و همگونی به وجود آید. این روند در دوران پس از انقلاب اسلامی شکل گرفته و به تدریج از تحرک، کنش‌گری، ابتکار و نقش آفرینی بیشتری در حوزه سیاست بین‌الملل برخوردار شده است. تحقق چنین فرآیندی بدون برسازي نشانه‌های زبانی و مفهومی نهفته در فرهنگ سیاسی ایران امکان پذیر نخواهد بود.

۴-۱. واکنش به توطئه و تهدیدهای نهفته قدرت‌های بزرگ

در ذهنیت و ادراک ایرانیان همواره جلوه‌هایی از تهدید نهفته و توطئه قدرت‌های بزرگ علیه ساختار سیاسی و اجتماعی ایران وجود دارد. این ادراک، در حوزه تحلیل گروه‌های اجتماعی نسبت به یکدیگر نیز مشاهده می‌شود. به عبارت دیگر، «احساس تهدید» بخشی از واقعیت ذهنی-ادراکی جامعه ایرانی است که در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی عینیت بیشتری یافته است. افزایش مطالبات گروه‌های سیاسی، تحرک و مشارکت فزاینده نیروهای سیاسی و ظهور برخی تهدیدهای منطقه‌ای-بین‌المللی در زمره عوامل تشدیدکننده چنین نشانه‌هایی است (والتون و ویجانیدرا، ۱۳۸۷: ۲۷۰).

در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نیروهای اجتماعی در ایران بر «ادراک معطوف به تهدید» و بهره‌گیری از «نظریه توطئه» تأکید بیشتری کردند. واکنش آنان به جنگ و هم‌چنین احساس درونی جامعه ایرانی در برخورد با قدرت‌های بزرگ در چنین فضای ادراکی-تحلیلی شکل گرفته است. تجربه جامعه ایران از مداخله مستقیم و غیر مستقیم قدرت‌های بزرگ در موضوعات سیاسی و امنیتی ایران نشانه چنین ادراکی است. برای مثال، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ علیه دولت مصدق، در ذهنیت ایرانیان یکی از نشانه‌های تهدید و توطئه دائم قدرت‌های بزرگ محسوب می‌شود (Kinzer, 2003: 22).

۴-۲. باز تولید هویت مقاومت براساس آموزه‌های دینی در فرهنگ سیاسی ایران

هویت مقاومت زمانی شکل می‌گیرد که کشورها در وضعیت خیزش سیاسی در برابر شرایط ناعادلانه قرار داشته باشند. نشانه‌های هویت مقاومت در زیرساخت‌های فرهنگ سیاسی ایرانی وجود دارد. انقلاب اسلامی ایران چنین شاخص‌هایی را باز تولید و برسازي کرد. زمانی که تهدیدهای متراکم فراروی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران شکل گرفت، جامعه ایران در وضعیت واکنش به شرایط تهدید قرار گرفت. این روند نشانه‌هایی از «احیاگرایی اسلامی» را شکل داد. طبعاً چنین فرآیندی تحت‌تأثیر جلوه‌هایی از فرهنگ سیاسی ایرانی و ظهور تهدیدهای متنوع قرار داشته است (مصلی نژاد، ۱۳۸۶: ۲۷۲).

براساس شاخص‌های فرهنگ سیاسی و ایدئولوژیک ایران، هویت مقاومت به وجود آمد. این هویت دارای برخی نمادهای فرهنگی، سیاسی و ایدئولوژیک بوده است. هویت مقاومت در حمله نظامی عراق به جمهوری اسلامی و ظهور تهدیدهای ترکیبی علیه امنیت ملی ایران گسترش بیشتری یافت. بسیاری از تحلیلگران معتقدند هویت مقاومت در ایران همواره براساس آموزه‌های دینی و اسطوره‌های ناشی از «نهضت عاشورا» شکل گرفته است (فولر، ۱۳۷۲: ۲۹۱).

این مسئله نشان می‌دهد نشانه‌های دینی فرهنگ سیاسی ایران در چارچوب نظام جمهوری اسلامی ایران که ماهیت ایدئولوژیک دارد، از کار آمدی و مطلوبیت بیشتری در مقایسه با دوران قبل برخوردار شده است. واژه‌هایی که امام خمینی (ره)، به عنوان رهبر انقلاب اسلامی ایران، علیه آمریکا به کار گرفتند، نشان داد که می‌توان تضادهای نهفته در فرهنگ سیاسی و ایدئولوژیک ایران در قبال قدرت‌های بزرگ را در قالب اندیشه‌های دینی و ساختار انقلابی برسازي کرد (Bourdieu, 1990: 32).

طبعاً چنین فرآیندی نمی‌تواند مورد توجه همه جانبه تحلیلگران و استراتژیست‌های آمریکایی قرار گیرد. آنان عموماً مبانی تحلیلی و ادراکی خود را در قالب رهیافت‌های رئالیستی تنظیم می‌کنند. در حالی که نشانه‌های مقاومت فرهنگ سیاسی ایران را که در برابر تهدیدهای منطقه‌ای و بین‌المللی به وجود آمده است، می‌توان نمادی از احیاگرایی ایدئولوژیک در چارچوب فرآیندی دانست که هویت مقاومت شکل می‌گیرد.

جهت‌گیری این هویت در برابر مداخله‌گرایی قدرت‌های بزرگ، به ویژه ایالات متحده آمریکا قرار دارد. در این فرآیند شاخص‌های فرهنگی - ایدئولوژیک، زمینه کنش اجتماعی معطوف به مقاومت در برابر تهدیدها را فراهم می‌سازند. تا زمانی که تهدیدهای متنوع فراروی فضای سیاسی، اجتماعی و ادراکی جامعه ایران وجود داشته باشند، چنین نشانه‌هایی در قالب هویت مقاومت باز تولید می‌شوند (Mashayekhi, 1998: 35).

به این ترتیب، قالب‌های ایدئولوژیک زمانی در رفتار سیاسی جامعه ایران از اهمیت بیشتری برخوردار شد که جلوه‌هایی از خصومت و رویارویی آمریکا به گونه‌ای مستقیم و غیر مستقیم علیه ایران به کار رفت. دشمنی و خصومت زمینه باز تولید تضادهای سیاسی - ایدئولوژیک ایران و جهان غرب را در قالب آموزه‌های جدید فرهنگ سیاسی ایران که مبتنی بر قدرت مقاومت بوده است، به وجود آورد. فولر در تبیین چنین موضوعی تأکید دارد: «بدون داشتن درک دقیق از آنچه به لحاظ فرهنگی و روان شناختی در ایران اتفاق می‌افتد، آمریکایی‌ها برای فهم حرکت بعدی خود از این هم ضعیف‌تر خواهند بود... غرب به ویژه تحت تأثیر امام خمینی (ره) بوده است. ایشان به مثابه چهره مهم، نماد تمام نگرانی‌های عمیق غرب از اسلام انقلابی است. پس از جنگ جهانی دوم، وی تقریباً بیش از هر رهبر خارجی دیگری در آمریکا «دشمن» قلمداد می‌شد... ماهیت رفتار ایران، دست کم در عرصه عمومی، عمیقاً تحت تأثیر رویکرد و نگرش ایشان بوده است که آمریکا را با اصطلاحاتی خصمانه توصیف کرده و درجاتی از «شیطانیت» را به آن نسبت داده است.» (فولر، ۱۳۷۲: ۶).

زمانی که هویت مقاومت ایرانی در برابر سیاست‌های تهاجمی و اقدامات تهدیدکننده آمریکا به وجود می‌آید، به این معناست که گروه‌های اجتماعی و رهبران سیاسی ایران هرگونه تهدیدی علیه امنیت ملی کشور را متوجه سیاست‌های عملی و مواضع سیاسی آمریکا می‌کنند. براساس چنین ادراک و روحیه‌ای که در نظام اجتماعی و فرهنگ سیاسی ایران وجود دارد، روندهای معکوس در فرآیند هویت مقاومت شکل می‌گیرد.

در چنین فرآیندی در ماه‌های اولیه پس از پیروزی انقلاب اسلامی که تهدیدهای مرکب علیه امنیت ملی ایران به وجود آمد، موج‌های ضد آمریکایی در نظام اجتماعی موجب تشدید هویت مقاومت شد. این مسأله نشان می‌دهد که به هر میزان آمریکایی‌ها فشار بیشتری علیه ساختار سیاسی و رهبران ایران اعمال کنند، موج‌های رفتار واکنشی با حجم بیشتری در برابر سیاست‌های کاربردی آمریکار یا سایر بازیگران به وجود می‌آید (رایت، ۱۳۸۴: ۲۶۲).

در چنین وضعیتی، شاخص‌های فرهنگی- هویتی ناشی از ایدئولوژی انقلاب اسلامی بیش از گذشته تحت تأثیر مؤلفه‌های مداخله‌گرایانه آمریکا، بازیگران منطقه‌ای و کارگزاران داخلی آنان قرار می‌گیرد. از این رو، نشانه‌هایی از «هویت مقاومت» و «قدرت مقاومت» شکل گرفته در برابر تهدیدهای مرکب علیه امنیت ملی ایران، عینیت می‌یابد، به این ترتیب، باز تولید قدرت ملی در شرایطی انجام می‌گیرد که هم تهدیدهای امنیت ملی وجود داشته باشد و هم مؤلفه‌های اجتماعی و ایدئولوژیک برای مقابله با چنین تهدیدهایی بسیج شود.

۳-۴. عدالت‌گرایی هنجاری در هویت مقاومت

هویت مقاومت در دوران جدید نماد اصلی قدرت و امنیت محسوب می‌شود. کشورهایی که در شرایط تهدید قرار دارند، از طریق نشانه‌های مربوط به هویت مقاومت می‌توانند موقعیت خود را بازسازی کنند و موازنه قدرت را تغییر دهند. هویت مقاومت در ایران براساس نشانه‌هایی از جمله عدالت‌گرایی شکل گرفته است. نشانه‌هایی عدالت‌گرایی نه تنها در مذهب شیعه به عنوان یکی از اصول مذهب تلقی می‌شود، بلکه در آیین ایرانیان باستان نیز یکی از نشانه‌های کنش سیاسی شهروندان در برخورد با حاکمان مستبد و قدرت‌های مداخله‌گرا تلقی می‌شد.

بررسی فرآیندهای تاریخی ایران نشان می‌دهد بخش عمده‌ای از جنبش‌های اجتماعی ایرانی معطوف اهداف و رویکردهای عدالت‌جویانه بوده‌اند. زمانی که نشانه‌های بی‌ثباتی و فقدان امنیت شکل می‌گیرد، زمینه ظهور موج‌های سیاسی و اجتماعی عدالت‌گرا نیز فراهم می‌شود. این روند از سال‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی آغاز و با قرار گرفتن جمهوری اسلامی در معرض اقدامات نظامی عراق، تشدید شد. بنابراین، فرآیند امنیت‌سازی در برخی مقاطع تاریخی زندگی سیاسی ایرانیان براساس موج‌های عدالت‌گرا شکل می‌گیرد. چنین موج‌هایی را می‌توان محور اصلی تحرک نیروهای اجتماعی برای نیل به اهداف، هویت و امنیت ملی

دانست. این روند در سال‌های مقاومت نظامی و دفاع مقدس از عینیت بیشتری برخوردار شد (Ehteshami, 1990: 62).

در این دوران جامعه ایرانی اشتیاق بیشتری به پذیرش خطرهای ناشی از رویارویی و مقاومت در برابر تهدیدهای بیرونی پیدا کرد. تأثیر گذاری فرهنگ شیعی، اندیشه و روح ایرانی را برای پذیرش رنج و مصیبت آرمانی به منظور تحقق ساختار عادلانه آماده کرد. اگرچه این روند در دوران مختلف انقلاب اسلامی با ادبیات و جهت‌گیری کاملاً متفاوتی برسازی شده است، چنین نشانه‌هایی در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی که دارای ماهیت ایدئولوژیک است، در فرآیند جنگ تحمیلی تنوع و کار کرد بیشتری داشته است (Halm, 1990: 61).

بنابراین، شاخص‌های عدالت در دهه ۱۳۶۰ (دوران دفاع مقدس)، با آنچه در «دوران سازندگی» (دهه ۱۳۷۰)، دوران تعامل سازنده و گفت‌وگوی تمدن‌ها (دوران ریاست جمهوری خاتمی) و دوران ریاست جمهوری احمد نژاد (عدالت اقتصادی) و دوره حسن روحانی (اعتدال‌گرایی) به وجود آمده، کاملاً متفاوت است. در هر یک از دوران‌های تاریخی ایران، جلوه‌هایی از عدالت‌گرایی وجود داشته است. تحولات مربوط به تاریخ و ساختار سیاسی انقلاب اسلامی ایران نشان می‌دهد که عدالت‌گرایی در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی شکل‌بندی و نشانه‌های متفاوتی داشته است (Hopf, 1998: 172).

علت اصلی تغییر در نشانه‌های عدالت‌گرایی منعکس در فرهنگ سیاسی ایران را می‌توان اولویت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، دفاعی و امنیتی دانست. در هر یک از دوران‌های تاریخی مربوط به انقلاب اسلامی ایران نشانه‌های خاصی از عدالت‌گرایی ظهور یافته و براساس آن جلوه‌هایی از گفت‌وگوهای سیاسی و امنیتی نیز شکل گرفته است. هر یک از گفت‌وگوها را می‌توان نمادی از رویکرد عدالت‌گرایانه جامعه ایرانی در برخورد با مشکلات درون ساختاری و تهدیدهای بیرونی دانست. در عین حال می‌توان بر این مسأله تأکید کرد که هنجارگرایی ناشی از انقلاب اسلامی ایران توانست آرمان‌های نهفته در ذهنیت ایرانی را برای مقابله با تهدید بیرونی بسیج کند (Menashri, 1990: 32).

۵. بررسی مبانی فکری رویکرد مقام معظم رهبری به سیاست خارجی در راستای دکتربین مقاومت

راهبرد سه گانه عزت، حکمت، و مصلحت رهبری در سیاست خارجی، «عزت، حکمت و مصلحت» را می‌توان به‌عنوان سه اصل محوری و ثابتی نام برد که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای آن شکل گرفته است. سه اصل محوری که رهبر انقلاب در سال‌های گذشته به‌عنوان پایه‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مطرح و همچنین تعامل ایران با جهان را در سند چشم‌انداز بیست‌ساله^۱ی کشور بر پایه این سه اصل پیش‌بینی کرده‌اند. رهبر معظم انقلاب اسلامی این سه اصل را «مثلی الزامی برای چارچوب ارتباطات بین المللی» دانسته و فرموده‌اند: عزت: «الاسلام یعلوا و لایعلی علیه» (مجلسی، بی تا: ۴۷)؛ «لن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلا» (سوره ی نساء، آیه ی ۱۴۱). یعنی ما نمی‌خواهیم عزتمان را با تکیه بر نژاد و ناسیونالیسم و حرف‌هایی که متأسفانه همه دنیا با تکیه به آن‌ها دور خودشان حصار می‌کشند ثابت کنیم (پایگاه اطلاع رسانی رهبر معظم انقلاب، دیدار مسئولین وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰/۴/۱۸).

راهبرد نفی رابطه‌ی سلطه‌گر و سلطه‌پذیر. اصل یکصد و پنجاه و دو قانون اساسی، اصل عدم تعهد را سرلوحه سیاست خارجی جمهوری اسلامی بر می‌شمارد: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، براساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه‌ی مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمحراب استوار است».

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ضمن تأکید بر کارساز نبودن تسلیم در مقابل دشمن می‌فرماید: «بزرگ‌ترین بلایی که مستقیم و غیرمستقیم در این دو‌یست سال دوران استعمار بر سر ملت‌های شرق و به ویژه ملت‌های اسلامی آمده، همین مرعوب شدن و عقب‌نشینی کردن در مقابل تبلیغات و حمله‌های غرب است». در زمینه راه علاج و مقابله با دشمنان و بدخواهان می‌فرماید: «ملت ایران یک راه علاج دارد و همان راه علاجی است که تا به امروز دنبال کرده و آن ایستادگی و حضور مردم در صحنه است» و تأکید می‌کنند که «عزت، آزادی، و استقلال ما در سایه‌ی ایستادگی در مقابل استکبار جهانی است» (بیانات رهبر در دیدار با مسؤولان وزارت امور خارجه و سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۹/۵/۱).

از دیدگاه رهبر معظم انقلاب، در عرصه ی سیاست خارجی باید با چنان پشتوانه و روحیه ای به ایفای نقش، مذاکره و هموردی پرداخت تا قدرت‌های سلطه گر متکبر نتوانند خواسته‌های خود را تحمیل کنند. ایشان در همین زمینه به بیان چگونگی تعامل و روابط با دیگر کشورها می پردازند و خاطرنشان می کنند: «در تعامل و مناسبات دوجانبه همواره باید تنظیم روابط مدنظر باشد و به گونه‌ای عمل شود که طرف مقابل احساس کند هرگونه رفتار مثبت یا منفی، واکنش و نتیجه‌ای متناسب با آن خواهد داشت» (دیدار با استادان و دانشجویان دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۹۰/۹/۲۴).

ضدیت با نظام سلطه در دکترین سیاست خارجی آیت الله خامنه ای در سه سطح منقطه ای، بلوک یا امت اسلامی و بین المللی، قابل استفاده است و شاید به همین دلیل نیز به کارگیری آن در اولویت باشد. در سطح منطقه ای و کشورهای همسایه ایران که به طور طبیعی حوزه نفوذ ژئوپلیتیک، امنیتی، اقتصادی، تمدنی، و فرهنگی کشور به حساب می آیند، مبارزه و مقاومت در برابر نفوذ و سلطه ی بیگانگان اهمیت بیشتری می یابد، زیرا در این حوزه، ترتیبات مذکور تأثیر و تأثر از یکدیگر دارند و وضعیت کشورهای همسایه به طور طبیعی از پیوستگی و انسجام برخوردار است (امینی، ۱۳۹۱: ۲۷).

باید اشاره کرد، یکی از وجوه بسیار مهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی حفظ وجه انقلابی سیاست خارجی آن است. انقلاب اسلامی ویژگی‌های خاصی دارد که آن را از انقلاب‌های مدرن قرن بیستم متمایز می‌کند؛ برای مثال، اینکه «انقلاب اسلامی اولین انقلابی بود که مدیون ایدئولوژی اروپایی نبود و بدون قدرت حمایت‌های بزرگ به حیات خویش ادامه داد؛ این انقلاب بنیان‌های مذهبی بسیار عمیقی داشت که روحانیون آن را رهبری می‌کردند» (لاریجانی، ۱۳۶۹: ۲۷).

با توجه به اهداف جهان شمولی که جمهوری اسلامی تعقیب می‌کند، بی تردید منافع قدرت‌های بزرگ و مستکبر جهانی را به خطر می‌اندازد و طبیعی است که این دولت‌ها ساکت نخواهند نشست و سعی خواهند کرد با به کارگیری تمامی ابزار فشار و زور به طرق مختلف آن را به زانو در آورند و از تعقیب اهدافش بازدارند. چنانکه در اندیشه ی رهبری نیز مهم ترین عامل اختلاف و دشمنی ابرقدرت‌ها با ایران همین مسأله است، به طوری که می‌فرمایند: «همان چیزی که موجب دشمنی‌ها با ماست، همان موجب پیشرفت دیپلماسی ماست؛ یعنی

همین روحیه ی اسلامی، تمسک اسلامی، توسل و تمسک به اصول اسلامی و ...» (بیانات رهبر در حرم رضوی در آغاز سال ۱۳۹۱).

در همین راستا، مقام معظم رهبری عوامل مؤثر در فعالیت‌ها و رفتار سفیران جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور را بسیار گسترده و پیچیده و در عین حال ظریف و حساس دانسته‌اند و معتقدند که اقتدار نظام جمهوری اسلامی در پایبندی سفرا و نمایندگان سیاسی و اصول اسلامی است: «برادران عزیز! هر چه پایبندی بر اصول اسلامی و روش‌های آن بیشتر تأکید بورزید، موفق تر خواهید بود. موفقیت امروز دیپلماسی ما که دنیا و حتی مخالفان ما بدان اذعان دارند، در درجه ی اول مدیون تقیّد و پایبندی شما دست اندرکاران است. این را حفظ کنید... چیزی که در ما استثنایی است و توجه دنیا و احترام دیگران را جلب می کند، همین پایبندی ما به فکر و اعتقادی الهی است که آن را نشان می دهیم. این اعتقاد و پایبندی را هرچه ممکن است، حفظ کنید و این کار با ظواهر و امانت اسلامی و پایبندی‌های شدید اسلامی تأمین خواهد شد و لاغیر!» (بیانات رهبر در جمع سفرا و نمایندگان سیاسی، ۱۳۶۸/۴/۳۱).

رویکرد اسلامی نه تنها در تکوین انقلاب، بلکه در وجه انقلابی سیاست خارجی ایران نیز مؤثر است. بنابراین، «هرگونه تقلیل و تخفیف گرایی در مواضع، روش‌ها و اقدامات، بسترساز تهدیدی به نام عبور از خود و براندازی خود شده است و نظام مستقر را در معرض بحران و ناکارآمدی قرار می دهد» (تاجیک، ۱۳۸۳: ۲۹).

مقام معظم رهبری نیز برای تداوم خطوط کلی و سیاست‌های کلان نظام اسلامی تأکید خاصی دارند و می فرمایند: «باید تصمیم بگیریم که خط انقلاب را به معنای حقیقی کلمه و بدون هیچ گونه کمبود و کسری و پذیرش ساییدگی در گوشه ای از این هدف‌ها با قاطعیت و قدرت به سمت هدف‌های انقلاب ادامه دهیم» (بیانات رهبر در دیدار استادان دانشگاه‌ها، ۱۳۷۲).

مقام معظم رهبری با بیان اینکه «اگر ما برای جامعه ی انقلابی و اسلامی، دیپلماسی انقلابی و اسلامی قائل هستیم، باید در درجه ی اول جهت گیری اسلامی حفظ و به گستاخی و شجاعت در مقابل تهدیدهای دشمنان و قدرت‌های بزرگ و نیز حاکمیت عقل و منطق بر تصمیم گیری‌ها و حرکات توجه قرار شود. این خط درست دیپلماسی است» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت به مناسبت آغاز هفته دولت، ۱۳۷۷/۶/۲).

همچنین، در راستای اهمیت حفظ هویت دینی و اسلامی کشور در حوزه ی روابط سیاسی در سطح بین الملل چنین می فرماید: «ما به عنوان یک نظام، فرق‌های عنصری و جوهری با بیشتر نظام‌های دنیا داریم که کاری هم نمی شود کرد. ما نباید از حرف‌هایمان عدول کنیم، در غیر این صورت، آن زمان جمهوری اسلامی فقط یک اسم خواهد بود» (بیانات رهبری در دیدار با نخبگان، ۱۳۸۲/۷/۱). «اهداف راهبردی و قواره ی کلی سیاست خارجی امروز ما با ساعت اول انقلاب هیچ تفاوتی نکرده است و این همان نکته ی اساسی و اصلی است که در ذهن همه کارگزاران سیاست خارجی ما باید وجود داشته باشد» (بیانات رهبر در دیدار با وزیر، معاونان و مدیران کل وزارت امور خارجه و سفرا و رؤسای نمایندگی‌های سیاسی خارج از کشور ۱۳۶۸/۵/۳۱).

جمهوری اسلامی ایران به دلیل اسلامی بودنش، سیاست متفاوت و جداگانه ای در سطح روابط بین الملل خواهد داشت. که رهبری نیز در سخنان خود بارها به ارتباط این دو موضوع با یکدیگر اشاره کرده اند و معتقد بر این دیپلماسی متفاوت اسلامی ایران هستند و می فرمایند: «شما در جبهه ای پیکار می کنید که با جبهه ی دیپلماسی دنیا متفاوت است. عرصه ی دیپلماسی، همه جا عرصه ی هم‌ارودی و مقابله است؛ چون منافع کشورها، منافع ملت‌ها با یکدیگر اصطکاک پیدا می کند، تصادم پیدا می کند. این تصادم‌ها در موارد زیادی خودش را در میدان دیپلماسی نشان می دهد، بنابراین، همه جا این درگیری و هم‌ارودی وجود دارد. لیکن مسأله ی شما فراتر از این است. شما نماینده ی نظامی الهی و معنوی هستید. این نظام اگر هیچ کاری هم با هیچ یک از قدرت‌ها و دولت‌های مستکبر دنیا نداشته باشد، آن‌ها با او کار دارند، چون طبیعت این نظام مقابله با ظلم و تجاوز است. الان شما در همین کشورهای تازه به پا خاسته و ملت‌های بیدار شده ملاحظه کنید؛ هرجایی که گفته می شود فلان جبهه ی اسلامی غلبه کرد یا در انتخابات یا در تظاهرات دستگاه استکبار نگران می شود و نگرانی خودش را بروز می دهد؛ در حالی که معلوم نیست این‌هایی که در انتخابات پیروز شده اند، بعداً چگونه عمل خواهند کرد. آنچه آن‌ها را متوحش می کند، نفس‌گرایش اسلامی است، چون گرایش اسلامی در درون خود ضد استکباری است، ضد ظلم است. ضد اشغالگری است، ضد تجاوز به حقوق انسان‌هاست؛ یعنی چیزهایی که پایه‌های حکومت استکباری در دنیا است. حکومت استکباری در دنیا بدون دخالت در کشورها، بدون به حقوق ملت‌ها، بدون تعرض به منافع ملت‌ها که نمی تواند سرپای خود بایستد، چون این پایه‌ها با اسلام، با نام اسلام، با شعار

اسلام، با هویت اسلامی در تضاد طبیعی است؛ هر جایی که نامی از اسلام آورده می شود؛ اینها نگران می شوند» (بیانات رهبر در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۲/۶/۵).

یکی از اساسی ترین و اصلی ترین راهکارها برای حفظ هویت اسلامی در سطح بین الملل استفاده از ظرفیت های جهان اسلام و بهره برداری از ثمرات مفید ناشی از اتحاد با دولت های اسلامی است؛ چنانکه مقام معظم رهبری در بیانات خود خاطر نشان کردند که «نقش اسلام را در دنیا هر چه می توانید، پررنگ تر کنید. بگردید با ابتکار، ببینید کجاها می توان برای اسلام نقش آفرینی کرد؛ نه فقط برای ایران اسلامی، بلکه برای اسلام» (دیدار رهبر با مسؤولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۳۹۰/۶/۹).

نتیجه گیری

با توجه به پژوهش صورت گرفته می توان گفت:

۱. روش سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در روابط بین المللی، تعامل سازنده و مؤثر با جهان براساس اصول بنیادین عزت، حکمت، و مصلحت است و می توان از این مفاهیم استنباط کرد که تغییر در نظام سلطه ی بین المللی در صورت ممکن شدن از طریق تعامل سازنده و سیاست فعال و نرم خواهد بود.
۲. گفتمان مقاومت یک گفتمان از پایین به بالا، ضد وضع موجود، خواهان تغییر محیط امنیتی، ضد سلطه، ضد حکومت های سلطه گر، عمل گرا، تا حدود زیادی با راهبرد مقابله و بهره گیری از زور در برابر نیروهای سلطه گر می باشد.
۳. جمهوری اسلامی اتخاذ دکتترین مقاومت را از تفکر شیعی الگو گرفته است. این تفکر می آموزد که انسان چگونه می تواند نقش خود را به عنوان یک مسلمان در صحنه های مختلف خوب ایفا کند. این راهبرد به صورت یک فرهنگ در ملت ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی نهادینه شده است. جمهوری اسلامی بارها توانسته با تکیه بر این راهبرد، به نقش خود در حوزه دیپلماسی، اقتصاد و اقدامات نظامی هوشمندانه عمل کند و به عنوان یک قدرت منطقه ای بسیار مهم جلوه کند تا جایی که دشمن آن را می پذیرد و اعلام می کند: «ما ناچاریم برای ایران در منطقه خاورمیانه نقش قابل توجهی بپذیریم، گر چه با رهبران ایران مشکل داریم ولی نمی توان نقش ایران در منطقه را نادیده گرفت.» دکتترین مقاومت جمهوری اسلامی نقش بسیار شگرفی در بحث اصول مدیریتی جمهوری اسلامی در

برخورد با مسائل مختلف از قبیل اصول مملکت داری، راهبرد و مباحث امنیتی و نظامی داشته و دارد و جهانیان را به اذعان به این اقتدار که برگرفته از پشتوانه دینی و مردمی است، وادار می سازد.

۴. گفتمان مقاومت نمادی از قدرت نرم در روند امنیت سازی در مقابله با تهدیدهای امنیتی محسوب می شود. گفتمان امنیت ملی به قابلیت ساختاری و ایدئولوژیک کشورها مربوط می شود و پاسخی به سطوح مختلف تهدیدهاست. از آنجا که در سال های نخست انقلاب اسلامی، ساخت های سیاسی و امنیتی در ایران سازماندهی نشده بود، طبیعی به نظر می رسد که تهدیدهای امنیت ملی فراروی جمهوری اسلامی ایران ماهیت سخت افزاری، مقابله جویانه و منطقه ای داشته باشد. نماد چنین فرآیندی از تهدید و مقابله با تهدیدها در چارچوب گفتمان امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، جنگ تحمیلی بوده است. طبعاً واکنش به تهدیدها نباید براساس قاعده بازی دشمن انجام گیرد. زمانی که تهدیدها ماهیت سخت افزاری داشت، الگوی رفتار امنیتی ایران ماهیت نرم افزاری پیدا کرد. بهره گیری از ایدئولوژی و پیوند آن با راهبرد، زمینه همبستگی گروه های اجتماعی ایران را برای مقابله با تهدیدهای ایجاد شده به وجود آورد. در این شرایط، ساخت های سیاسی و امنیتی ایران به تدریج سازماندهی شد. تقویت ساختار سیاسی، زمینه متنوع سازی شاخص های گفتمان امنیت ملی ایران را فراهم آورد.

در دوران جدید، نه تنها شاخص های گفتار نرم افزار مورد توجه مقامات اجرایی ساخت های سیاسی ایران قرار گرفته است، بلکه می توان جلوه هایی از قدرت سخت برای مقابله با تهدیدها را مشاهده کرد. این امر نماد بهره گیری از «قدرت هوشمند» در راستای مقابله با تهدیدهای متنوع، متراکم و سازمان یافته محسوب می شود. قدرت هوشمند پاسخی به تهدیدهای چند جانبه، متنوع و سازمان یافته واحدهای منطقه ای و قدرت های بزرگ است. این مسأله موجب پیچیدگی قالب های گفتمانی و رفتاری در امنیت ملی ایران شد. با توجه به چنین شاخص هایی، نشانه های قدرت نرم در گفتمان امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران عبارت اند از:

الف) اولین مرحله از سازماندهی قدرت نرم برای ارتقای گفتمان امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به شرایطی مربوط می شود که قدرت های بزرگ به ویژه آمریکا در صدد رویارویی آشکار و همه جانبه با ساخت های قدرت سیاسی و راهبردی جمهوری اسلامی ایران برآمدند. در این دوران شاهد اقدام نیروهای واکنش سریع ایالات متحده برای ربایش دیپلمات های آمریکایی

هستیم که در روند تسخیر سفارت آمریکا در اختیار دانشجویان پیرو خط امام قرار گرفته بودند. زمانی که اقدام آمریکا به «حادثه طبس» انجامید، جلوه‌هایی از مشروعیت‌سازی از طریق امدادهای غیبی مطرح شد. این امر را می‌توان نماد حمایت الهی از سیاست‌های معطوف به مقاومت کشوری دانست که در برابر تهدیدها و اقدامات آمریکا به مقاومت و مقابله‌گرایی مبادرت کرد. این حادثه «انگیزه مقاومت» در برابر تهدیدها را افزایش داد. به طور کلی قالب‌های انگیزشی نماد از قدرت نرم‌افزاری در فرآیند امنیت‌سازی به شمار می‌روند.

ب) مرحله‌ی دوم از تولید قدرت نرم در برابر تهدیدهای امنیت ملی به زمانی برمی‌گردد که آمریکا مبادرت به سازماندهی و فعال‌سازی نیروهای نظامی دست‌نشانده در ساختار سیاسی ایران کرد. افراد و گروه‌های یاد شده اقدام به سازماندهی عملیات کودتای نوژه کردند. این کودتا نیز قبل از هرگونه اقدام عملیاتی خنثی شد. خنثی‌سازی تهدیدها بدون توجه به اقدامات ساختاری، نمادی از حمایت مجدد الهی از مشروعیت نظام سیاسی بود. این امر «انگیزه مقاومت» را در ساختار اجتماعی ایران افزایش داد. گروه‌های سیاسی و اجتماعی ایران به این جمع‌بندی رسیدند که طیف متنوعی از تهدیدها در برابر انقلاب ایران شکل گرفته است.

ج) زمانی که جنگ تحمیلی آغاز شد، ساختار دفاعی ایران در شرایط پراکندگی گسترده قرار گرفته بود. در این دوران نشانه‌هایی از عملیات علیه کشور بدون دفاع شکل گرفت. طبعاً گروه‌های اجتماعی ایران در برابر این تهدیدها واکنش نشان دادند. واکنش آنان را می‌توان در ارتباط با شاخص‌هایی مانند «بسیج اجتماعی» مورد توجه قرار داد. بسیج اجتماعی یکی از شاخص‌های قدرت نرم در روند امنیت‌سازی است. بنابراین، شاخص‌های متنوعی از تحرک نیروهای سیاسی و اجتماعی برای مقابله با کشور تهدیدکننده وجود دارد. در این دوران نیروهای اجتماعی درصدد دفاع از انقلاب و ساختار سیاسی در فضای مقابله با تهدیدهای پرشدت نظامی برآمدند. مؤلفه‌های ایدئولوژیک نماد قدرت نرم برای بسیج گروه‌های اجتماعی برای مقابله با تهدیدهای نظامی و امنیتی عراق و سایر بازیگران محسوب می‌شود.

د) در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ شاهد ظهور شکل دیگری از تهدیدهای امنیت ملی علیه جمهوری اسلامی ایران بودیم. در این مقطع زمانی یکی از گروه‌های سیاسی داخلی مبادرت به اعلام جنگ مسلحانه علیه نظام سیاسی کرد. پس از این مرحله، گروه‌های معارض، دفتر حزب جمهوری اسلامی و هم‌چنین دفتر نخست‌وزیری را منفجر کردند. در پی این اقدامات بسیاری از مقامات سیاسی ایران به شهادت رسیدند. واکنش امام خمینی (ره) در برابر این اقدامات نمادی

از گفتمان قدرت نرم افزاری را منعکس ساخت. ایشان فرمودند: «ما را بکشید، ملت ما بیدارتر می‌شوند». بیان چنین رویکردی را می‌توان نمادی از مقاومت در فضای مظلومیت و آگاهی بخشی برای گروه‌های اجتماعی دانست. این مسأله مشروعیت نظام سیاسی ایران را برای مقابله با گروه‌های مسلح داخلی افزایش داد.

ه) در سال‌های تداوم جنگ تحمیلی (۱۳۶۷-۱۳۵۹)، ایران فاقد مزیت نسبی در حوزه سخت افزار و جنگ افزار نظامی بود. در نتیجه چنین وضعی، ضرورت‌های امنیت ملی ایجاب می‌کرد از شاخص‌هایی بهره گرفته شود که زمینه‌های مزیت نسبی جمهوری اسلامی ایران را در مقابله با تهدیدها عراق فراهم آورد. این شاخص‌ها در قالب مؤلفه‌ها و نشانه‌های گفتمانی-ایدئولوژیک در ارتباط با سیاست امنیتی جمهوری اسلامی ایران منعکس می‌شد. این شاخص‌ها به عنوان نماد قدرت نرم، توانست بسیج نیروهای اجتماعی را برای مقابله با تهدیدهای داخلی و منطقه‌ای افزایش دهد.

و) فرآیندهای یاد شده نشان می‌دهد هرگونه مقاومت گرایشی در ارتباط با جنگ، نیازمند بهره‌گیری از فرآیندهایی است که زمینه‌های لازم را برای بسیج گروه‌های اجتماعی و مقابله با تهدیدها براساس قالب‌های هویتی و آرمانی فراهم آورد. بهره‌گیری از آموزه‌های شهادت، عاشورا و جنگ کربلا را می‌توان نماد قدرت نرم برای مقابله با تهدیدها دانست. این امر با تأکید بر شاخص‌های ایدئولوژیک انقلاب ایران انجام گرفت و زمینه افزایش «قدرت مقاومت» ایران را فراهم کرد. به‌طور کلی می‌توان قدرت مقاومت را نماد قدرت نرم افزاری جمهوری اسلامی ایران در مقابل تهدیدها دانست. این امر در شرایطی انجام گرفت که قابلیت ابزاری، ساختی و نهادی ایران برای مقابله با تهدیدها بسیار محدود و ابتدایی بود.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

اسدی، ناصر و دیگران (۱۳۹۳). «چارچوبی تحلیلی برای بررسی گفتمان سیاست خارجی امام خمینی (ره) (ایدئولوژی، استراتژی و دیپلماسی)»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال سوم، شماره ۱۲، بهار، صص ۳۵-۹.

امینی، ابراهیم (۱۳۶۴). «روابط بین الملل و سیاست خارجی حکومت اسلامی»، مجله ی نور علم، شماره ۱۰، صص ۲۹-۱۸.

آجیلی، هادی؛ افشاریان، رحیم (۱۳۹۳). «کاربست سند چشم انداز در سیاست خارجی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه آفاق امنیت، سال هفتم، شماره ۲۴، پاییز، صص ۵۱-۲۵. تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳). سیاست خارجی عرصه ی فقدان تصمیم و تدبیر، تهران: انتشارات گفتمان.

حمیدی نیا، حسین (۱۳۸۳). کتاب سبز ایالات متحده آمریکا، تهران: وزارت امور خارجه.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۱). گفتمان مقاومت؛ واقعیت یا رؤیا، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/others-dialog>

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۹). چهارچوبی مفهومی برای ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.

رایت، رابین (۱۳۸۴). آخرین انقلاب بزرگ: انقلاب و تحول در ایران، ترجمه احمد تدین و شهین احمدی، تهران: انتشارات رسا.

روحانی، حسن (۱۳۹۱). «گفتمان امام خمینی (ره) پیرامون امنیت ملی و سیاست خارجی»، فصلنامه راهبرد، سال بیست و یکم، زمستان، شماره ۶۵، صص ۶۶-۷.

سید نژاد، سید باقر (۱۳۸۹). «مطالعه تحلیلی و تطبیقی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با نظریه سازه انگاری»، فصلنامه علوم سیاسی، سال ۱۳، شماره ۴۹، بهار، صص ۱۸۶-۱۶۳. عبدالله خانی، علی (۱۳۸۳). نظریه های امنیت ملی، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.

عبداله خانی، علی (۱۳۸۹). «تحلیل گفتمانی رویکرد جمهوری اسلامی ایران به امنیت منطقه ای با تأکید بر خاورمیانه ی اسلامی». فصلنامه علمی - پژوهشی علوم سیاسی و روابط بین الملل عمید، حسن (۱۳۷۱). فرهنگ فارسی عمید، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

فولر، گراهام (۱۳۷۲). قبله عالم: ژئوپلتیک ایران، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.

کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۲). روابط بین الملل در تئوری و عمل، تهران: قومس.

گلشن پژوه ، محمدرضا (۱۳۹۰). «آسیب شناسی منابع و ابزار قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، در: محمود واعظی، دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

لاریجانی محمد جواد (۱۳۶۹). مقولاتی در استراتژی ملی، تهران: مرکز ترجمه و نشر.

محمدی، منوچهر (۱۳۸۴). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اصول و مسائل، تهران: دادگستر.

مصلى نژاد، عباس (۱۳۸۶). فرهنگ سیاسی ایران، تهران: نشر فرهنگ صبا

_____ بررسی نظری دکترین مقاومت در سیاست خارجی جمهوری...

والتون، مایکل و راثو ویجانیدرا (۱۳۸۷). **فرهنگ و کنش عمومی**، ترجمه علی بختیاری‌زاده، تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
هافمن، استنلی (۱۳۸۵). «روابط بین الملل؛ علم اجتماعی امریکایی»، در: اندرو لینکلتر، **ماهیت و هدف نظریه روابط بین الملل**، ترجمه لیلا سازگار، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

ب) منابع عربی

مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (بی تا). **بحارالانوار**، ج ۳۹، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

ج) منابع انگلیسی

- Ajami, Fouad (Winter 1988-89). "Iran: the Impossible Revolution" **Foreign Affairs**, Vol.67, No.2
- Bourdieu, Pierre (1990). **In Other Words: Essays towards a Reflexive Sociology**, Cambridge: Polity Press
- Ehteshami, A., (1990). "Iran's Revolution: Fewer Ploughshares, More Swords", **Army Quarterly and Defense Journal**, Vol. 120. No. 1.
- Frankel, Joseph, (1963). **The Making of Foreign Policy: An Analysis of Decision-Making**, London: Oxford University Press.
- Halm, Heinz (1997). **Shii Isalm: From Religion to Revolution**, Translated from German by Allison Brown, Princeton: Markus Wiener Publishers, p.61.
- Hopf, Ted (1998). "The Promise of Constructivism in International Relations Theory", **International Security**, No. 1, Vol. 23
- Kinzer, Stephen (2003). **All the Shah's Men: An American Coup and the Roots of Middle East Terror**, Hoboken, NJ: John Wiley & Sons Publishing.
- MacDonald, David B., Robert G. Patman and Betty Mason-Parker, (2007). **The Ethics of Foreign Policy**, Hampshire: Ash gate Publishing Limited.
- Mashayekhi, Mehrdad (1998). **Education and the Culture of Politics in the Islamic Republic of Iran, Iran: Political Culture in the Islamic Republic**, Farsoun K, Nafisi, Rasool Samia and, Eds. New York Routledge.
- Menashri, David (1990). **Iran: A Decade of War and Revolution**, New York: Holmes & Meier Publishers.
- Mofid, M., (1987). **Ideas and Revolution in Iran**, New Haven: Yale University Press.
- Onuf, N., (1989). **World of Our Making: Rules and Rule in Social Theory and International Relation**, Columbia: University of South Carolina Press.
- Philiott, Danniell (October 2002). "Challenge of September 11 to Secularism in International Relations", **World Politics**, No.55.

